چه کار زیبایی، چه کشف غریبی

علیرضا شجاع‌نوری
بازیگر

وقتی کیوان کثیریان و گلاره عباسی، پیشنهاد کردند که فیلم «بنفشه آفریقایی» را برای نمایش ویژه نابینایان آماده کنیم تازه پس از عمری زندگی بی‌توجه، شاید، شاید کمی متوجه دنیای نابینایان شدم و قدرت و توانایی این شهروندان برتر را حس کردم. چرا؟

این فرصت معاشرت چند روزه با چند آقا و خانم نابینا به بهانه آماده‌سازی باند صدای سوینای فیلم به من این تلنگر را زد که شاید نابینا منم نه آنها. من به چشم فقط دیتا دریافت می‌کنم؛ دیتاهایی که به‌دلیل کثرت و پراکندگی و تنوع‌شان، می‌توانند مزاحم تمرکز من باشند! دیدم وقتی دارم به حرف‌های کسی گوش می‌کنم چقدر ظاهرش و رفتارش و پلک زدنش و...حواس من را پرت می‌کند؛ البته که کنجکاوی ام هم تا حدودی سیراب می‌شود. در یکی از سفرهایم به ژاپن وقتی یک لوکوموتیوران مترو را از نزدیک زیر نظر گرفتم دیدم تمام کارهایی که دستش می‌کند و چشمش می‌بیند را با صدای بلند برای خودش تکرار می‌کند! قبلاً مشابه این حرکت را دیده بودم که صندوقدار یک فروشگاه حین خدمت انجام می‌داد؛ یعنی دیتاهای دریافتی را با صدا در ذهن ثبت می‌کرد. یعنی ما از کنار این همه تصویر بی‌توجه رد می‌شویم. درواقع نمی‌بینیم!

معاشرت با یک نابینا به ما این تذکر را می‌دهد که آنچه را که می‌بینیم، ببینیم.

از خانه خارج شدن و سوار تاکسی شدن برای ما شاید یک فعل عادی دم دستی باشد اما وقتی همین کار را بخواهید به همراه یک دوست نابینا انجام دهید، تازه متوجه لبه آهن دم در می‌شوید، تازه می‌فهمید که چند تا پله در راه است و کدام یک کمی بلندتر است، دستگیره در چقدر از دیوار فاصله دارد و باغچه پیاده‌رو چه گیاه عجیبی دارد که به لباس می‌چسبد و جوی آب چقدر پهن است. راستی پل کجاست و عجله چه کار بدیست و چقدر گنجشک‌ها قشنگ می‌خوانند و تعدادشان خیلی زیاد است و چقدر شاخه‌های این درخت انبوه است. حیفم می‌آید این دریافت قشنگ را با شما تقسیم نکنم! این دفعه که خواستید فیلم ببینید، خواهش می‌کنم با چشمان بسته ببینید! ببینید چه چیز می‌بینید! یا نمی‌بینید، چه توضیحی احتیاج دارید تا قصه فیلم را دنبال کنید. مطمئنم آنچه که ما برداشت می‌کنیم بسیار کمتر از چیزیست که دوست نابینایمان می‌بیند! او می‌بیند، بله می‌بیند اما نه با تعریفی که ما می‌بینیم و چه حیف که بدون سوینا، سینمای ایران از نعمت جمعی نابینایان یا کم بینایان خوش ذوق و با حال و متمرکز و نکته سنج در خیل تماشاکنانش محروم باشد! ممنون گلاره عباسی. ممنون کیوان کثیریان.

سوینا به نابینایان استقلال داد

ماهگل مقتدر دانشجوی رشته نوازندگی ساز ایرانی در دانشکده هنر دانشگاه تهران و نوازنده سازهای عود و کمانچه است. او کارشناس و مجری برنامه «ضرب‌آهنگ» رادیو سوینا است؛ برنامه‌ای که با هدف پرداختن به موسیقی تولید شده است. مقتدر درباره کم و کیف این برنامه به «ایران» می‌گوید: «در قسمت‌های ابتدایی برنامه موسیقی نواحی مختلف ایران را بررسی کردیم و گزارش‌هایی از کنسرت‌های موسیقی و اخبار این حوزه داشتیم.»

به گفته او این برنامه حدود یک سالی است که موسیقی فیلم‌های برجسته ایرانی و خارجی را در گفت‌وگو با چهره‌های این هنر بررسی می‌کند: «شاید بتوان گفت موسیقی فیلم از جمله مباحثی است که به قدر کافی در ایران به آن پرداخته نشده اما از المان‌های مهم و تأثیرگذار

در فیلم است.سعی می‌کنیم به فضای ذهنی و دنیای کارگردان و آهنگساز نزدیک شویم و ببینیم این اثر حاصل چگونه تعامل و خط فکری است.»

مقتدر که از برگزیدگان چهاردهمین جشنواره موسیقی جوان است درباره فعالیت‌های سوینا برای توضیح‌دار کردن فیلم‌ها می‌گوید: «این حرکت دریچه‌ای تازه برای ما در سینما باز کرده و گروه تازه‌ای از مخاطب را پیدا و فعال کرده است. نابینایان و کم بینایان پیش از این شاید لازم بود که فیلم را همراه یک فرد بینا ببینند تا در جریان سکانس‌ها و اتفاقات بدون دیالوگ قرار بگیرند، اما سوینا با این کار به نابینایان استقلال داد تا هر زمان که اراده کنند به فیلم‌ها دسترسی داشته باشند.»

گلاره عباسی به «ایران» از فعالیت‌های «سوینا» برای نابینایان گفته است

دنیای ما را توصیف کن

نرگس عاشوری
خبرنگار

تیرماه سال ۹۸ بود که برای اولین بار نام سوینا را شنیدیم. حضور بیش از ۲۵۰ نفر نابینا در پردیس سینمایی چارسو و اکران فیلم «سرخ‌پوست» نیما جاویدی توجه‌ها را به این گردهمایی جلب کرد؛ رویدادی که برای اولین بار در ایران اتفاق افتاده بود و برای خیلی‌ها کنجکاوی برانگیز بود بدانند کم و کیف این اکران چگونه است. در این نمایش ویژه حبیب رضایی صحنه‌های خالی و بدون دیالوگ فیلم را برای نابینایان حاضر در سالن صوتی کرد. توضیح تمام نماها و پلان‌هایی که هیچ دیالوگی ندارد برای نابینایان تجربه‌ای ناب و منحصر به فرد بود؛ تجربه‌ای که بعدها با اکران فیلم‌های روز سینمای ایران ادامه پیدا کرد. با شیوع کرونا اگرچه این نوع اکران‌ها متوقف شد اما فعالیت سوینا (سینمای نابینایان) در شکل و شمایل تازه (توضیح‌دار کردن فیلم‌های کلاسیک جهان و فیلم‌های مهم تاریخ سینمای ایران) ادامه یافت و در حوزه‌های موسیقی، کتابخوانی، تحلیل فیلم و حتی عکس گسترده‌تر شد. تولیدات این مجموعه از طریق پایگاه اینترنتی سوینا به نشانی www.sevinagroup.com و کانال‌های سوینا در فضای مجازی از جمله آپارات، تلگرام، یوتیوب و تمام پادکست‌خوان‌ها قابل دریافت است. با گلاره عباسی بنیانگذار سوینا درباره ایده شکل‌گیری، فعالیت‌های این مجموعه و همکاری چهره‌های مطرح سینمایی گفت‌وگو کرده‌ایم.

افشین میابانیان

■ **عموماً وقتی از نزدیک نیازها و شرایط گروهی از جامعه را حس کرده باشیم برای خود ما هم تبدیل به دغدغه می‌شود. با تلاش بی‌وقفه‌ای که برای سوینا انجام شده مسلماً برای اغلب ما این سؤال پیش می‌آید که چه عاملی باعث شده گلاره عباسی این درد را حس کند و به نیاز جامعه نابینایان فکر کند. ایده راه‌اندازی سوینا از کجا آمد؟ آیا با الگو و نمونه خارجی چنین مجموعه‌ای آشنایی داشتید؟**

چندین بار در مکان‌های عمومی با نابینایانی برخورد کردم که درباره فیلم ها و سریال هایی که بازی کرده بودم، با من صحبت می‌کردند و نظرات دقیقی می‌دادند که مرا متعجب می‌کرد. انگار واقعاً این آثار را دیده بودند. با آنها که صحبت می‌کردم دریافتم که گاهی از اطرافیانشان کمک می‌گیرند که فیلم را برایشان کمی توضیح دهند. از آنجا به این فکر افتادم که سوینا را با هدف دسترس پذیر کردن و مناسب‌سازی محصولات فرهنگی بخصوص فیلم و سریال راه‌اندازی کنم. الگوهای خارجی را هم بررسی کردم و با نقاط ضعف وقوتشان آشنا هستم.

■ **خیلی از ما تصوری درست از دنیای نابینایان نداریم. تصور خود شما قبل از سوینا چطور بود؟**

در هرحال تصوری را که امروز دارم ، نداشتم. طبیعتاً دور بودن از یک پدیده ناشناخته باعث می‌شود شناخت کاملی از آن نداشته باشیم.

■ **امروز جهان فردا نابینا از منظر شما چگونه است؟**

به‌نظرم جهان زیباتری نسبت به ما دارند. من نابینایان را عموماً بسیار باهوش، مهربان و بااحساس یافته‌ام. درک بالایی که نسبت به جهان اطرافشان دارند همیشه برای من غافلگیرکننده است. من حالا دوستان نابینای زیادی دارم که واقعاً محدودیت‌شان را فراموش می‌کنم آنقدر که ارتباط مان سالم و درست شکل گرفته است. همه ما محدودیت‌هایی داریم آنها هم مثل ما.

■ **در برخی از جلسات با حضور هنرمندان باجامعه نابینایان حضور نشر داشتید. این تغییر نگاه نسبت به جامعه نابینایان را در هنرمندانی که با شما همکاری داشته‌اند هم دریافت کرده‌اید؟**

بله واقعاً همین طور است. بویژه در دوران پیش از کرونا وقتی اکران های حضوری داشتیم، مواجهه هنرمندان میهمان با نابینایان لحظات صمیمانه و جذابی رقم می‌زد. می‌بینم خیلی از نابینایان توانسته‌اند با هنرمندان تعامل کرده و کار کنند و به‌عنوان گوینده و حتی خواننده و... فعالیت کنند و در جایی که توانایی دارند از آنها بواسطه شایستگی‌شان استفاده شود. هنرمندان ما همیشه به تخصص و توانایی افراد احترام می‌گذارند و از همکاری با نابینایان نیز استقبال کرده‌اند. این اتفاق تنها بواسطه سوینا نیست و به خاطر تلاش و استعداد نابینایان هم هست. محدودیت‌ها واقعیت و تفاوت ماست و نه ضعف ما. هر کس به نسبت خودش ضعف‌ها وقابلیت‌هایی دارد و مناسب‌سازی و دسترس‌پذیری، اصل و معیار ماست.

■ **یکی از شاخصه‌هایی که توجه‌ها را به سوینا جلب کرده همکاری چهره‌های سینمایی مطرح از رخشان بنی اعتماد، سحر دولتشاهی و ترانه علیدوستی تا پرویز پرستویی، صابر ابر، پارسا پیروزفر و... است. چطور اعتماد این چهره‌ها را برای همکاری جلب کردید؟**

همکاران هنرمند همیشه در فعالیت‌های اجتماعی پیشقدم هستند و کمابیش در جریان فعالیت‌های سوینا هم قرار دارند. وقتی جزئیات کارمان را برایشان توضیح می‌دهم با نگاهی مثبت همراهی می‌کنند. فعالیت سوینا، هم جنبه هنری دارد، هم ادای دینی به سینما است و هم مسئولیت اجتماعی است که برای هموطنان نابینا انجام می‌شود، به‌همین دلیل هنرمندان به‌صورت افتخاری و رایگان با ما کار می‌کنند و صمیمانه کنارمان هستند.

■ **برای توضیح‌دار کردن فیلم‌ها آیا لازم است از صاحبان آثار اجازه بگیرید؟ برخورد سینماگران با این درخواست چطور است؟**

بله اجازه می‌گیریم و آنها نیز همیشه لطف داشته‌اند و از این بابت همگی بسیار همراه بوده‌اند.

■ **انتخاب چهره‌ها برای توضیح‌دار کردن فیلم‌ها بر اساس مؤلفه خاصی است؟**

سوینا یک کار گروهی است. ما در اتاق فکرمان تصمیم می‌گیریم که از هنرمندان در چه بخشی دعوت به همراهی کنیم. هنرمندان سینما، تئاتر و رادیو نیز با توجه به جنس صدا و علاقه‌مندی‌شان برای توضیح فیلم‌هایی که مورد نظر ما است، دعوت می‌شوند.

■ **اتاق فکر شامل چه افراد با چه تخصص‌هایی است؟**

کیوان کثیریان از چهره‌های شناخته شده سینما و رسانه، از ابتدا این گروه را طی مسیر همراهی کرده و سهم بسیاری در موفقیت سوینا دارد. در اتاق فکر سوینا، امیر سلیمانی از نابینایان تحصیلکرده و متخصص حضور دارد که در تصمیم‌گیری‌ها و کنترل کیفیت تولیدات قبل از انتشار مشارکت می‌کند. دوستان نابینای دیگری نیز در پروسه تولید همراه ما هستند. چندین همکار نابینا به‌عنوان مجری، برنامه‌ساز، تدوینگر صدا، کارشناس، مدیر تبلیغات و... سوینا را همراهی می‌کنند.

■ **در فاصله زمانی کوتاهی که فیلم دیالوگ ندارد باید توضیحات کافی راجع به صحنه ارائه بدهید. از ابتدا الگوی مشخصی برای دادن اطلاعات داشتید یا این که به مرور زمان و بر اساس تجربه به میزان ارائه اطلاعات رسیدید؟**

ما تیمی از نویسندگان داریم که روایت فیلم‌ها را بر اساس فضای خالی فیلم می‌نویسند. میزانسن‌های مهم، حالات، حس‌ها، حرکت‌ها، روابط و حتی نگاه‌های مهم نوشته می‌شود. یک متن مکتوب کامل و حساب شده در اختیار گوینده قرار می‌گیرد. بنابراین همه چیز از پیش نوشته شده است. ضمن اینکه نظارت بر متن و ضبط با وسواس کامل انجام می‌شود تا نتیجه کار حرفه‌ای و ماندگار باشد، البته این پروسه با تجربه و تحقیق درباره اتفاق مشابهی که در خارج از ایران رخ می‌دهد، به دست آمده و ما در فاصله کوتاهی به ثبات لازم در متن و اجرا رسیدیم.

■ **در انتخاب آثار برای توضیح‌دار کردن دستتان باز است؟ با هیچ محدودیتی مواجه نیستید؟**

در سوینا سعی کرده‌ایم، فیلم‌های مهم کلاسیک خارجی و فیلم‌های مهم وکالت ایرانی را در اولویت قرار دهیم. از این رو دست ما در انتخاب آثار باز است و محدودیت زیادی نداریم چون تصویر ارائه نمی‌دهیم و حاصل کارمان به شکل فایل صوتی، تولید و عرضه می‌شود. تلاش می‌کنیم فیلم‌ها را به‌طور کامل در حد مقدور توضیح‌دار کنیم.

■ **علاقه‌مندان جدی سینما پیگیر فیلم‌های روز هستند که این روزها اغلب آنها در دسترس است. از سوی دیگر با رونق گرفتن سریال‌سازی در شبکه نمایش خانگی و بازار داغ این آثار، احتمالاً کنجکاوی زیادی برای دسترسی به آنها وجود دارد. به‌طور طبیعی نابینایان هم دوست دارند در جریان اتفاقات تازه سینما و تلویزیون قرار بگیرند. در این باره چه کردید؟**

در دو برنامه سینما کلاسیک و فیلمخانه به ترتیب فیلم‌های مهم خارجی و ایرانی، توسط هنرمندان توضیح‌دار می‌شود. از توضیح‌دار کردن سریال‌های روز در شبکه نمایش خانگی نیز غافل نیستیم. تا امروز نسخه ویژه نابینایان سریال‌های «هیولا»، «دل» و «هم‌گناه» ارائه شده است. این روزها نیز سریال «می‌خواهم زنده بمانم» با متن و نظارت پژمان تیموتاش، توضیح‌دار می‌شود و در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرد.

■ **در روزهای آغازین فعالیت سوینا، فیلم‌های در حال اکران با شتاب بیشتری در دسترس قرار می‌گرفت. همه‌گیری بیماری کرونا بر فعالیت سینمای ویژه نابینایان هم تأثیر داشته، برای پساکرونا برنامه‌ای دارید؟ قرار است این برنامه و باهم فیلم دیدن را با سازوکار جدی‌تری پیگیری کنید؟**

بله. پیش از شیوع این بیماری، هر ماه یک فیلم با حضور نابینایان و میهمانان ویژه، در سالن اصلی پردیس سینمایی چارسو اکران می‌کردیم که راوی به‌صورت زنده از اتاق فرمان، فیلم را برای نابینایان توضیح می‌داد. از جمله «سرخ‌پوست» نیما جاویدی، «آشغال‌های دوست داشتنی» محسن امیریوسفی، «قصر شیرین» رضا میرکریمی، «جهان با من برقص» سروش صحت و «خاله قورباغه» افشین هاشمی و... این برنامه با استقبال بسیار زیادی روبه‌رو بود که متأسفانه، با همه‌گیری بیماری کرونا متوقف شده است. امیدوارم با عادی‌تر شدن شرایط، بتوانیم برنامه اکران‌های حضوری را مجدد پی بگیریم.

■ **با تولید پادکست «سینما، خاطره» به نظر می‌رسد به نیاز علاقه‌مندان جدی سینما برای تحلیل و درک آثار فکر کردید. بازخوردی از سوی مخاطبان داشتید یا این بر اساس آن ضرورت ساخت این پادکست‌ها را دریافت کنید؟**

بله بازخوردهای بسیار خوبی داشتیم. هم از سوی مخاطبان نابینا و هم مخاطبان بینا. پادکست سینماخاطره خوشبختانه از پرطرفدارترین برنامه‌های ماست.

در هر قسمت از این پادکست روایت یک فیلم مهم تاریخ سینمای ایران به‌همراه تحلیل آن ارائه می‌شود. تاکنون بیست قسمت از این برنامه پخش شده است. کیوان کثیریان سردبیر این پادکست‌هاست، احسان کرمی، فریبا متخصص و محسن بهرامی گویندگان آن هستند و منتقد برنامه علی علایی است.

■ **یکی از فعالیت‌های سوینا (سینمای نابینایان) تولید کتاب‌های صوتی است. آیا همان فضای همدلی و همکاری اهالی سینما در توضیح‌دار کردن فیلم‌ها، میان ناشران و اهالی کتاب هم وجود دارد؟**

به‌هر حال فضای چاپ و نشر محدودیت‌هایی دارد. تولید کتاب گویا و عرضه آن به‌صورت رایگان با برخی قواعد حوزه نشر منافات دارد و این یک بخش دشوار برای کار ماست، البته نشر «نیماژ» در دو سال گذشته همکاری بسیار ارزشمندی با ما داشت، تعداد زیادی از کتاب‌های این انتشارات را گویا و به رایگان عرضه کردیم که این مهم بدون همکاری گویندگان حرفه‌ای رادیو و سینما غیرممکن بود.

■ **در صحبت‌هایتان به همکاری رایگان و افتخاری هنرمندان اشاره کردید. با وجود این اداره چنین مجموعه‌ای آن هم با فعالیت‌های متعدد حداقل به‌لحاظ سخت‌افزاری مسلماً هزینه‌ساز است بخصوص این که محصولات فرهنگی به‌صورت رایگان در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد. هزینه گروه چطور تأمین می‌شود؟**

سوینا یک مجموعه غیرانتفاعی است. تا به امروز هیچ بودجه و امکانی از نهادهای دولتی و غیر دولتی دریافت نکرده است. از ابتدای فعالیت، بنای ما بر این بود که سوینا به دلایل مختلف هیچ وابستگی مالی نداشته باشد. هر برنامه با حمایت افراد علاقه‌مند که مشاغل خصوصی دارند، تولید شده که نام آنها در ابتدای هر برنامه به‌عنوان حامی گفته می‌شود. سوینا هزینه‌های خود را تا به امروز از این مسیر تأمین کرده است. نکته مهم دیگر همراهی هنرمندانی است که به‌صورت رایگان با سوینا همکاری می‌کنند و حاصل آن، این شده که تمام محصولات به‌صورت کاملاً رایگان در اختیار مخاطب قرار گرفته است. برنامه‌های ما به شکل صوتی عرضه می‌شود. درواقع سوینا به نوعی یک شبکه رادیویی اینترنتی به حساب می‌آید. ما در حال حاضر به‌طور متوسط شش برنامه در هفته تولید و عرضه می‌کنیم. تمام برنامه‌های ما برای عموم قابل استفاده است. در حال حاضر علاوه بر مخاطبان نابینا، بازخوردهای زیادی از مخاطبان بینا داشته‌ایم و این باعث خوشحالی است که محتوای ما برای همگان قابل شنیدن است.

■ **در این سال‌ها اسپانسرها سراغ‌تان نیامدند یا خودتان عامدانه از آن پرهیز کرده‌اید؟ دلیل این احتیاط چه بوده است؟**

ما تا به حال تمام تلاشمان این بوده که هزینه سوینا را از محل حمایت حامیان شخصی تأمین کنیم. بله اسپانسرهای تجاری هم سراغمان آمدند ولی گفتم که به هرحال سوینا کاملاً غیرانتفاعی است و قرار است تنها در حدی که هزینه‌های خود را تأمین کند از حامیان مالی استفاده کنیم. سوینا تاکنون هیچ درآمدی مازاد بر هزینه‌هایش نداشته است. شاید اگر اسپانسرهای تجاری با شرایط و ضوابط تعریف شده سوینا مایل به همراهی ما باشند به آن فکر کنیم.

■ **راه‌اندازی برنامه کودک رادیو سوینا اقدامی قابل تحسین است. توقع این بود که نیاز این رده سنی در برنامه‌های فرهنگی این مجموعه دیده شود. از برنامه‌های آینده‌تان برای کودکان و نوجوانان بگویید.**

یکی از برنامه‌های پرمخاطب سوینا برنامه کودک است. لیلی رشیدی که پیش از این داستان‌های «زی‌زی‌گولو» را برای سوینا روایت کرده بود، در حال حاضر قصه‌های «خونه مادربزرگه» را تعریف می‌کند. هومن خیاط نیز پس از «پلنگ صورتی» که بسیار مورد توجه مخاطبان سوینا قرار گرفت، الان ماجراهای «پت و مت» را روایت می‌کند. برنامه کودک سوینا را تینا تقویان که از برنامه‌سازان نابینا است، تولید و تدوین می‌کند. به‌نظرم یکی از کارهای مهمی که سوینا انجام داده این است که توانستیم چند قسمت از برنامه کودک را به‌صورت دی‌وی‌دی‌های صوتی تولید کرده و با حمایت شخصی حامیان، به شکل رایگان برای کودکان کل کشور ارسال کنیم.

■ **به خاطر همین فضای رسانه‌ای و همکاری چهره‌های سینمایی شاید خیلی‌ها تصورشان این باشد که سوینا محدود به حوزه سینما و کتاب است. در یک دوره سوینا هر ماه با مشارکت نشر چشمه نقد و بررسی کتاب صوتی برگزار می‌کرد. برای علاقه‌مندان دیگر حوزه‌های فرهنگی هم برنامه دارید؟**

بله. «آوای تلاش» برنامه‌ای هفتگی است که به گفت‌وگو با نابینایان موفق ایرانی اختصاص دارد و گاه زندگینامه نابینایان موفق خارجی هم روایت می‌شود. ادریس فتحی از برنامه‌سازان نابینا این برنامه را سردبیری و اجرا می‌کند. برنامه هفتگی «ضرب‌آهنگ» نیز به نقد موسیقی فیلم اختصاص دارد که هر هفته با حضور آهنگسازان و کارشناسان مطرح موسیقی فیلم، ساخته می‌شود. ماهگل مقتدر، کارشناس این برنامه، نوازنده، تحصیلکرده موسیقی و از همراهان نابینای ما است. امیر بهاری نیز سردبیری «ضرب‌آهنگ» را به عهده دارد. «خیال عکس» برنامه دیگری است که در آن منصور ضابطیان، مجموعه عکس‌های مهم و قابل توجه در ایران و جهان را برای نابینایان توصیف می‌کند. سوینا، نمونه‌ای از کار گروهی به معنای واقعی است. دوستان زیادی با این گروه همکاری می‌کنند که بدون همراهی و لطف آنها گسترش سوینا غیر ممکن بود؛ دوستانی که به‌عنوان نویسنده، گوینده، امور فنی، امور اجرایی، تدوین، روابط عمومی، استودیوها و... با ما همکاری دارند.

■ **«سوینا» کارآفرین هم بوده؟ بخصوص برای جامعه نابینایان آیا فعالیت جدی ایجاد شده است که بتوان آن را شغل قلمداد کرد؟**

یکی از اهداف مهم ما در سوینا همین کارآفرینی برای نابینایان در محدوده کار خودمان بوده است. طبیعتاً با توجه به گستره محدود کارِ سوینا نمی‌توان توقع زیادی در این باره داشت ولی در حال حاضر همراهان نابینای ما در حوزه‌های مختلف با ما همکاری می‌کنند و مشغول به کارند. مجریان، برنامه‌سازان و تدوینگران نابینا با ما همکاری دارند و همچنین مسئول تبلیغات سوینا نیز نابیناست.

■ **در این گفت‌وگو بیشتر از حمایت‌ها گفتید. با در نظر گرفتن خروجی فعالیت‌های سوینا این تصور ایجاد می‌شود که مسیر همواری داشتید و با موانع جدی مواجه نبودید. هیچ اتفاقی نبود که شما را دلسرد، مأیوس یا متوقف کند؟**

اتفاقاً در این مسیر، سختی‌ها و موانع و محدودیت‌ها، اصلاً کم نیست. گاهی هم موانع و مشکلات از توان ما بزرگ‌تر بوده‌اند اما ما از ابتدا تصمیمی گرفتیم که باید بر سر آن بمانیم. تمام تلاشمان این است که برای هر مشکل راه حلی پیدا کنیم.

■ **احتمالاً با زخوردها یا خاطراتی دارید که دلگرم و مطمئن‌تان کند این مسیر را درست آمده‌اید. برایمان از تأثیرگذارترین این خاطرات می‌گویید؟**

بهترین خاطرات من همان لحظاتی است که پیام‌های مهرآمیز نابینایان و والدین آنها را می‌شنوم یا می‌خوانم. اینکه آنها از شور و شعف‌شان و حس متفاوتشان به هنگام استفاده از محصولات سوینا می‌گویند، برای من بسیار خوشحال کننده است و مرا منقلب می‌کند. ما محصولاتمان را با عشق و علاقه تولید می‌کنیم و خوشحالیم که به دل مخاطبانمان هم می‌نشیند.

■ **سوینا چه آورده‌ای برای گلاره عباسی داشته است؟ چه تغییری در روحیه و احوال خودتان ایجاد کرده است؟**

این که تلاش کنی برای بخشی از جامعه مفید باشی و برای گروهی از هموطنانت در استفاده از محصولات فرهنگی شرایط بهتری فراهم کنی احساس بی‌نظیری است. به‌هرحال همه‌مان نسبت به جامعه‌مان مسئولیت داریم و باید هرکدام‌مان سعی کنیم تا حد توان و مقدورات‌مان این مسئولیت را ادا کنیم.

نگاه به چلچراغ درون

حبیب رضایی
بازیگر

جهان نابینایان نگاه به چلچراغ درون است. عبور از قضاوت‌ها، رد شدن از ظاهرسازی‌ها و عنایت به آن چیزی است که در درون ذخیره داری. رسیدن به این مرحله به‌طور حتم با تعالی و معرفت عجین است. از همین رو هرچه به جهان نابینایان نزدیک‌تر می‌شوی بیشتر پی می‌بری نابینایی در شکل متعالیش تقسیم توانایی است. جایی، نیرویی کم شده که چندین توان دیگر و خصوصیت منحصر به فرد، به جایش نمایان شوند. نقصی اگر هست در باور و نگاه ناقص ماست که شرایط را درک نمی‌کنیم وگرنه بسیاری از عزیزان نابینا عبور کرده‌اند از جهان کم‌توانی.

در طول بیش از نیم قرن زندگی اگر به تعداد انگشتان یک دست فعالیتی داشته باشم که به آنها دلگرم باشم و کلمه مغتنم مؤثر را به آنها بشود اطلاق کرد قطعاً و بی‌تردید یکی از مهم‌ترین‌ها همکاری با مجموعه سوینا و طرح و پیشنهاد اجرای اولین اکران فیلم‌های روز در سینما همزمان با سایر مردم و توضیح گویی زنده در کنار عزیزان نابینا بوده است. خوشحالم در این پروسه حاضر بودم و مفتخرم که این شانس را داشتم که اولین قدم را بردارم. این اقدام یعنی توضیح‌خوانی و روایت زنده فیلم‌ها در محیط سینما برای عزیزان نابینا و خانواده‌هایشان اتفاقی بی‌سابقه در ایران است. (وحتی در جهان به این شکل، نمونه‌ای یافت نشد) جریانی که با فیلم «سرخ پوست» ساخته جناب نیما جاویدی و همکاری مدیریت پردیس سینمایی چارسو آغاز شد و با استقبال دیگر همکاران و البته مدیریت درخشان

گلاره عباسی ادامه پیدا کرد و متأسفانه با همه‌گیری ویروس کرونا فعلاً قطع شده است. استقبال نابینایان عزیز و خانواده‌هایشان فضایی عجیب و منحصر به فردی ایجاد کرده بود؛ اتمسفری غیرقابل توصیف که آدم به هر بهانه‌ای دوست داشت در آن فضا قرار بگیرد و از انرژی فوق‌العاده‌اش بهره ببرد. اگرچه گلاره عباسی و تیم فوق‌العاده سوینا در این مدت همه‌گیری کرونا بیکار ننشسته‌اند و با همراهی چهره‌های شاخص سینمایی، گنجینه‌ای درخشان از فیلم‌های ماندگار تاریخ سینمای ایران وجهان را توضیح‌دار کرده‌اند و برای همیشه به یادگار گذاشته‌اند اما همچنان من وخیلی از همکاران مترصد ایجاد شرایط ایمن هستیم برای ازسرگیری اکران ویژه سوینا و دوباره جمع شدن‌ها و دید و بازدید به معنای جان کلمه. برای هم دعا کنیم.

حال خوب با هم بودن و هوای هم را داشتن

احترام برومند
بازیگر و مجری

برای اولین بار در مراسم رونمایی از کتاب‌های صوتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با گروه سوینا آشنا شدم. تعدادی از دختران و پسران نوجوان و جوان به همراه گلاره عباسی به این مراسم آمده بودند. در همین دیدار گلاره برایم از فعالیت برای نابینایان گفت. ایده‌هایی که داشت و کارهایی که انجام داده بود برایم جذاب بود. با دوستان نوجوان و جوان روشندل گپ و گفتی داشتیم و به یادگار عکس دسته جمعی هم گرفتیم. مدتی بعد گلاره عباسی تماس گرفت و جویا شد که آیا حاضرم با این دوستان مصاحبه‌ای برای رادیو سوینا داشته باشم. باز هم برایم تازگی و جذابیت داشت که سوینا رادیو هم دارد. استقبال کردم و یک روز گروهی سه، چهار نفر از خانم‌ها و آقایان جوان به منزل‌مان آمدند. مصاحبه مفصلی داشتیم و سؤال‌ها برایم جالب بود. از دوران کودکی تا بزرگسالی و ازدواج و کار و برکناری از کار و... حرف زدیم. مصاحبه را که از رادیو شنیدم بیشتر به دلم نشست. ادیت خوبی داشت و از نتیجه کار راضی بودم. در همان ایام خبر داشتم که لیلی (رشیدی) تعامل و همکاری بیشتری با سوینا دارد. برای کودکان قصه می‌خواند و فیلم‌های کودک و نوجوان را توضیح‌دار و گویا می‌کند. فعالیت‌های سوینا برایم مهم شده بود و دورا دور اخبار و احوال شان را پیگیری می‌کردم. سال گذشته ایام نزدیک به روز مادر برای فیلم سینمایی «مادر» ساخته روانشاد علی حاتمی درخواست همکاری کردند. با کمال میل پذیرفتم و کار انجام شد؛ البته که کار خاصی نکرده بودم اما خوشحال بودم از اینکه در کنارشان

هستم. کار کیوان کثیریان و گلاره عباسی برایم ارزشمند است و مثل تمام آدم‌هایی که بیشتر وقت خودشان را صرف خدمت همنوعان‌شان می‌کنند برایم قابل ستایش هستند. کسانی که فقط دغدغه خودشان را ندارند، دیگران، محیط زیست، حیات وحش و... را جزئی از زندگی خودشان می‌دانند. از این دست آدم‌ها در همه اقشار و توده‌های مردم وجود دارد و مختص طبقه و گروه خاصی نیستند. قصد ندارم از کسی نام ببرم اما در بین هنرمندان چندین نفر به طور خاص و بی‌ادعا وقت خودشان را صرف کمک به دیگران می‌کنند، قدردان تک تک‌شان هستم و برای گروه سوینا آرزوی موفقیت می‌کنم. هر کاری از من بخواهند در خدمت‌شان هستم.